

## أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ. لِيَوْمٍ عَظِيمٍ. يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ.

سوره مطففين (۸۳) آیات ۴ تا ۶

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند

چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند

...

گوئیا باور نمی دارند روز داوری

کاین همه قلب و دغل در کار داور می کنند

مردم شریف کردستان سلام علیکم!

پس از مدتها صبر تلخ و تحمل رنجهای فراوان، اینک با انتشار اعلامیه شماره ۹ مورخ ۲۱ / ۴ / ۸۶ حسن امینی و همدستانش و به دلیل ارتباط بخشی از مطالب آن با اینجانب که متأسفانه مملو از کذب و افترا و نیز خیانت به دستاوردهای زندگی دینی پدرم کاکه احمد مفتی زاده است، خود را موظف به نوشتن این چند سطر می دانم:

برای جلوگیری از اطلاع کلام، خواننده گرامی را به مشاهده سی دی های منتشر شده از سوی شورای مدیریت مکتب قرآن به تاریخ ۲۹ / ۱۰ / ۸۴ تحت عنوان پرسش و پاسخ دعوت می کنم.

لازم به ذکر است که توضیح و تبیین معرفت دینی کاکه احمد و افکار و آراء و نظریات بدیع و راهگشایش، کار این مختصر نیست و آشنایان با مسیر و برنامه های ایشان، نیک می دانند که از نظر کاکه احمد ایجاد تفرق و جدا کردن عده ای از صف واحد هم مسیران، با همان عنوان و نام، شرک به حساب آمده و برداشت هر فرد یا گروهی خارج از شوری هیچگونه مشروعیتی ندارد. جهت روشن شدن این موضوع، نظر مخاطبان را به تبیین قرآنی آن توسط ایشان در جزوه «اهتمام به شوری» جلب می کنم.

آنچه باعث ایجاد کدورتها و رویارویی های چند ساله شده، همین خیانت نابخشودنی در ایجاد تفرق و استفاده ای ایزاری از نام کاکه احمد و مکتب قرآن برای نیل به اهداف و آمال شخصی است که هیچگونه سختی با تفکر و برنامه ای دینی کاکه احمد ندارد. اگر نامبرده مانند هر فرد دیگر مستقلاً و با عنوانی غیر از آنچه توسط مؤسس مکتب قرآن تعیین شده فعالیت می کرد، شورای مدیریت و هم مسیران هیچگونه مخالفتی با وی نمی داشتند، کما اینکه در دنیای اسلام و در منطقه ای ما، اینک گروه های فراوانی با طرز فکرهای مختلف فعالیت می کنند که بعضاً موضعگیریه و اقداماتی هم در مخالفت با ما داشته اند و ساهاست مکتب قرآن هیچ موضعی علیه آنها نگرفته و با سعی صدر و مدارا از کنارشان گذشته و تنها به حکم ضرورت و در پاره ای موارد در رفع شبهات ناشی از افتراها و اتهامات علیه خود، طبق نظر کاکه احمد به پاسخگویی و تبیین مسائل پرداخته است.

در بیانیه ی مذکور علاوه بر تحریف واقعیتها، تلاش شده است ضمن انتساب حسن امینی و چند تن از بستگانش به کاکه احمد و استفاده ی فریبکارانه از نام اینجانب، به منظور موجه جلوه دادن وی و کارهایش، مزورانه مکتب قرآن و فعالیتهايش را در ضدیت با اهل سنت نشان دهند، توطئه ای قدیمی که از زمان رژیم پیشین دستمایه ی همه ی دشمنان سابق و لاحق کاکه احمد بوده و حنايش دیگر هیچ رنگی ندارد.

در اینجا وظیفه ی خود می دانم که به عنوان تنها فرزند کاکه احمد و یکی از پیروان مکتب قرآن به دفاع از آنچه ایشان، همه ی زندگی و توان خود را صادقانه در راه حفظ و ابلاغ آن به بندگان خدا ایثار کرد، برخاسته و به صراحت اعلام دارم که نه تنها انتساب حسن امینی با عملکرد موجودش به فکر کاکه احمد حقیقت ندارد؛ بلکه، مجموعه ی اقدامات وی خائنانه ترین و فریبکارانه ترین موضعگیری در مقابل پدرم و مکتب قرآن به حساب می آید. بیاتر این مطلب، حرکات و فعالیتهايش در زمینه های مختلف و مغایرت و غالباً تقابل آنها با اصول بدیعی تفکرات کاکه احمد و برنامه و حرکت دینی ایشان است. به عنوان نمونه و مثنی از خروار: ایجاد تفرق در صف واحد پیروان کاکه احمد، شرکت در فعالیت های سیاسی،

مراوده و همکاری با دشمنان دیرینه و قسم خورده‌ی کاکه احمد، مبادرت به اجتهادات گوناگون و متناقض - طبعاً به دلیل عدم صلاحیت - با وصف نهی صریح کاکه احمد، نقل و استناد به روایات علی‌رغم ناتوانی محرز در تشخیص صحت و سقم انتساب روایات مذکور به رسول گرامی اسلام -ص- موضع‌گیری صریح در مخالفت با نظریات بدیع و انسان دوستانه‌ی کاکه احمد - برگرفته از تعالیم حیات بخش رحمۀ للعالمین -ص- در مسائل دینی از جمله مسأله‌ی ایمان و کفر و ... راستی انسانی با این همه تعارض که نتیجه‌ی آن آب انداختن به آسیاب دشمنان قسم خورده‌ی پدرم و همکاری عملی با آنهاست چگونه می‌تواند خود را پیرو ایشان بدانند؟! حسن امینی و همدستانش که در بیانیه‌ی اخیر، آن همه بر رعایت حال افراد منتسب به اینجانب تأکید دارند، خود چگونه این چنین با جفا نسبت به کاکه احمد و بدون کمترین اطلاع و اجازه‌ی تنها فرزندش و شورای مدیریت مکتب قرآن، اقدام به نشر آثارش می‌کنند؟ برخلاف ادعای نادرست حسن امینی در مورد اعتماد همه جانبه‌ی پدرم به وی، به استناد دادن مسؤولیت اداری محکمه‌ی شرع به نامبرده برای مدتی محدود، کاکه احمد با سپردن اداری محکمه‌ی شرع به هیأت قضاء و افتاء و قرار دادن وی در این جمع زیر نظر شوری و آن هم برای پرداختن به مسائل ازدواج و طلاق، این مسؤولیت را از وی گرفته و به هیأت مذکور محول نمود. همچنین استناد حسن امینی به اظهارات محبت آمیز کاکه احمد نسبت به وی و خانواده‌اش و آن را وسیله‌ای برای تقریبی بیش از دیگران به پدرم دانستن نیز هیچ وجهی ندارد. زیرا همه می‌دانند که این روش کاکه احمد، برگرفته از اخلاق کریمه‌ی اسوه‌ی بشریت حضرت محمد -ص- است که دوست و دشمن را تا رسیدن به یأس از نتیجه شامل می‌شود. به عکس، عتاب‌های تند کاکه احمد، از جمله در طرف دوم نوار هفتم مجموعه‌ی مشهور به هشت نواری خصوصاً به حسن امینی این شبهه را به خوبی رفع می‌کند. شورای مدیریت مکتب قرآن و این جانب هم با تأسی به همان شیوه سالها با بردباری و محبت سعی در مسکوت گذاشتن خلاف کاری‌ها و ناسازگاری‌های وی و مدارا به امید هدایت یا ترک انتسابش داشتیم. مع‌الأسف حسن امینی همچون سایر تشنگان شهرت و موقعیت، علاوه بر استفاده‌ی ایزاری از نام کاکه احمد و مکتب قرآن - در عین ضدیت با آن - از اقوام و دوستان خود هم به عنوان پلکان صعود و مهره‌ی بازی استفاده می‌کند و هرگاه لازم بداند حاضر است نزدیک‌ترین اقوامش من جمله افراد مورد اشاره در بیانیه‌ی مزبور را فدای مطامع دنیوی و حفظ شهرت و موقعیت خود سازد.

لازم است یادآوری کنم در طول مدت آشنایی و ارتباط وی با پدرم همواره و در اکثر مسائل، مشکل ساز بوده و نه تنها یار شاطر به حساب نمی‌آمده بلکه غالباً بار خاطر گشته است. از جمله همگان خوب به خاطر دارند زمانی که کاکه احمد اعلامیه‌ای در رد انتساب سازمان پیشمرگان دولتی به خود صادر و همراه کاکه سعدی قریشی نام برده را برای ابلاغ آن به مردم کردستان مأمور کرد، حسن امینی با این امر مخالفت نمود و از انجام آن سرباز زد و این کار را کاکه سعدی به تنهایی انجام داد. علاوه بر آن، با وجود کناره‌گیری کاکه احمد و هم‌مسیرانش از هر نوع فعالیت سیاسی و اعلام صریح آن، با استقبال از همکاری در امور سیاسی به عنوان مشاور مذهبی در استانداری به فعالیت پرداخت.

اکنون نیز در ادامه‌ی همان روش با وجود تأکید فراوان کاکه احمد بر تخطیط آینده‌ی حرکت و تعیین کاکه سعدی قریشی به عنوان ناظر برای تضمین اجرای درست آن، حسن امینی با این امر هم شدیداً به مخالفت برخاسته است. زیرا در وضعیت فعلی مکتب قرآن - که در اوایل مرحله‌ی دعوت است - ادای وظیفه‌ی نظارت، آنچنانکه کاکه احمد مشخص نموده، مانع از انحراف مسیر حرکت، مطابق امیال و هواهای شخصی وی و امثالش می‌باشد.

درخاتمه امیدوارم خواندن این سطور برای رفع شبهه‌های ایجاد شده کافی باشد. چنانچه کسانی خواهان توضیحات بیشتر باشند اینجانب در حد توان آماده‌ی رفع هرگونه ابهام احتمالی خواهم بود.

والسلام

محمدزبان مفتی (مفتی زاده)